

## جایگاه مهریه سنگین در آموزه‌های دینی، آرای فقها و حقوق موضوعه

عبدالعلی توجهی\*

آرزو ملک‌شاه\*\*

### چکیده

مهریه، به‌منزله یکی از حقوق مالی زوجه در اسلام، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن کریم از مهریه به‌منزله صداق، نحله، و ... تعبیر می‌کند و نحله نشانه صداقت مرد به زن در پیمان زناشویی است. در فقه امامیه و قانون مدنی ایران برای مهریه سقفی تعیین نشده و میزان آن به توافق طرفین محول شده است. در سال‌های اخیر، تغییر نظام ارزش‌ها، هنجارها، باورها، و ... موجب شده است که مهریه از جایگاه اصلی‌اش فاصله بگیرد و به میزان چشمگیری افزایش یابد. این افزایش باعث بروز مشکلاتی در کارکرد خانواده، جامعه، و ... شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که جایگاه مهریه‌های سنگین در آموزه‌های دینی چیست؟ نتایج بیانگر آن است که اگرچه در اسلام برای مهریه سقفی تعیین نشده است، قرارداد مهریه سنگین لاقبل ناپسند شمرده می‌شود. شاید فلسفه این کراهت پیامدهای منفی و تبعات ناگوار اجتماعی است که از مهریه‌های سنگین متوجه فرد و جامعه می‌شود. فقها هم مسلمانان را بر سبک‌گرفتن مهریه تشویق کرده و از گرفتن مهریه سنگین بر حذر داشته‌اند. در پایان هم راهکارهایی برای برون‌رفت از این معضل عرضه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق، خانواده، زن، مهریه، مهریه سنگین.

### ۱. مقدمه

خانواده، به‌منزله کوچک‌ترین واحد اجتماعی، پایه و اساس هر جامعه‌ای است و نقش

\* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شاهد، amlekshah۷۲@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه خوارزمی، amalekshah۷۲@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۷

مهمی در سعادت یا حتی شقاوت انسان ایفا می‌کند. این نهاد مقدس در آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مورد توجه اندیشمندان نیز قرار گرفته است. تلاش برای تثبیت و استواری نهاد خانواده و اقدام برای از هم نگسستن آن همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان هر جامعه محسوب می‌شود.

این نهاد مقدس همواره در هر جامعه‌ای با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است. یکی از این تهدیدها که در گذشته هم جامعه ایران با آن روبه‌رو بوده، اما امروز شکل گسترده‌تری به خود گرفته تعیین مهریه‌های سنگین در عقد و نکاح دائم است. اگرچه در آموزه‌های دینی به سبک‌گرفتن مهریه توصیه شده است، در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده، مهریه به طور بی‌رویه افزایش یافته، و به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. از این رو، بررسی همه‌جانبه و ریشه‌یابی آن و ارائه راه‌حل‌های ممکن ضروری به نظر می‌رسد.

اهمیت موضوع به حدی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۱ مقرر داشته است: «دولت موظف به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای احیای حقوق مادی و معنوی او می‌باشد». اصل دهم قانون مذکور نیز بر تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی تأکید دارد. تعیین مهریه با توجه به توانایی مرد، شأن زن، و فرهنگ حاکم به طرفین واگذار شده است. با این حال، سنگینی مهریه عملاً باعث بروز مشکلاتی برای خانواده، دستگاه قضایی، و به تبع آن جامعه می‌شود و اقدام زوجه برای وصول مهریه کمتر به نتیجه می‌رسد. زنان اغلب در قبال گرفتن طلاق مهریه خود را بذل می‌کنند و از شوهر خود جدا می‌شوند؛ به‌علاوه موفقیت آنان در وصول مهریه کم است.

امروزه اوضاع اجتماعی ایران تغییر کرده است، زنان بسیاری تحصیلات دانشگاهی، مهارت‌های فردی، و مشاغل درآمدزا دارند و به استقلال اقتصادی رسیده‌اند. از سوی دیگر، با پیشرفت جامعه و ارتقای فرهنگی و علمی زنان، خواسته‌ها و انتظارات آنان نیز تغییر کرده است. این مطالب به این معنا نیست که زنان اکنون بیش از گذشته به مهریه اهمیت می‌دهند، بلکه ظاهر امر حاکی از آن است که مهریه در شکل سنتی خود که فقط در هنگام جدایی (آن هم تحت شرایط خاص) به زنان پرداخت می‌شود دیگر کارایی چندانی برای آن‌ها ندارد. به همین علت به نظر می‌رسد باید در قوانین تغییرات و اصلاحاتی انجام شود، مبدا این مسئله زمینه‌ساز تخطی از قانون شود.

در جامعه ایران، مهریه از اصل و فلسفه وجودی‌اش فاصله گرفته و به منزله ضمانت

استحکام نکاح در آینده درآمده است. بسیاری از مردم تصور می‌کنند هرچه میزان مهریه سنگین‌تر باشد، ازدواج از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. با این‌که برای مهریه در اسلام سقفی قرار داده نشده است، قرارداد مهریه سنگین حتی اگر از نظر اسلام ممنوع نباشد، ناپسند قلمداد می‌شود. ممکن است این سؤال مطرح شود که چطور ممکن است حکمی از قرآن پس از گذر زمان این چنین دستخوش تغییر و تحولات شود؟ تا جایی که معضلی اجتماعی قلمداد شود و خود در برخی از موارد به منزله یکی از موانع ازدواج مطرح شود. حکمی که خداوند مقرر کرده است هرگز نمی‌تواند با فطرت و مصالح انسان در تعارض باشد. صرف نظر از عوامل پیدایش مهریه سنگین، مشروعیت آن و نیز امکان مداخله حکومت در تعدیل آن از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که به ذهن متبادر می‌شود. به علاوه در صورت امکان مداخله حکومت و تعیین مقدار، این‌که ملاک میزان آن چقدر است و مهریه بر حسب قدرت افراد تعیین می‌شود یا به صورت ثابت، پرسش‌های دیگری است که باید بررسی شوند. هدف از این تحقیق آن است که با بررسی مطالب مربوط به مهریه در آیات، روایات، و حقوق موضوعه و تجزیه و تحلیل آن، ضمن عرضه راهکارهایی، از این معضل اجتماعی تا حدی کاسته شود.

عوامل افزایش مهریه در سال‌های اخیر را می‌توان وقوع تغییراتی در نظام باورها، نگرش‌ها، رفتارها، و انتظارات اکثر افراد جامعه دانست؛ تغییراتی که ناشی از تغییرات کلی در نظام اجتماعی، ارزش‌ها، و هنجارهای حاکم بر جامعه است. مهم‌ترین سؤال این پژوهش این است که جایگاه مهریه‌های سنگین در آموزه‌های دینی کجاست؟ در این مقاله تلاش می‌شود جایگاه مهریه سنگین در قرآن، روایات، آرای فقها، و قوانین ایران بررسی شود. به این منظور مطالب مورد نظر در چهار بخش مطرح می‌شوند.

## ۲. بررسی مفهوم مهریه

### ۱.۲ مفهوم لغوی

«مهریه» واژه‌ای است عربی که فارسی آن «کابین» است. همچنین، کلمه‌های «صداق»، «فریضه»، و «اجر» مترادف‌های مهریه در زبان عربی‌اند. در قرآن کریم لفظ «مهر» بیان نشده، ولی الفاظ دیگر از قبیل «صداق»، «نحله»، «فریضه»، و «اجر» به کار رفته است (لطفی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). در لغت‌نامه دهخدا آمده است:

مهر، کابین و آن نقد جنسی باشد که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر کنند. صدق آن مال یا نفقه ای است که انتفاع از آن شرعاً جایز باشد و آن را برای زن قرار دهند. مهر و مهوره مالی که به واسطه و طی غیر زنایی به عقد نکاح بر عهده مرد قرار می‌گیرد همچنین به معنای دست، پیمان، بضع صدق، شیربها، روی گشایان، رحم و شفقت و محبت هم تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳ / ۱۹۳۳۵).

در سایر فرهنگ‌ها، «مهر» را معادل «کابین» دانسته‌اند (جر، ۱۳۶۵: ۱۹۸۷؛ طهرانی (کاتوزیان)، ۱۳۷۳: ۷۴۴)؛ در فرهنگ معین معادل «محبت» تعریف شده است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۰۵۶). البته برخی از تعاریف یادشده مهریه را صرفاً معادل مهر و محبت دانسته‌اند که خالی از اشکال نیست. به نظر می‌رسد بهترین تعریف این است که مهریه عبارت است از مالی که در هنگام وقوع عقد نکاح، در مقابل آنچه زن در اختیار مرد قرار می‌دهد، تعیین می‌شود و به مجرد عقد بر ذمه زوج قرار می‌گیرد.

## ۲.۲ مفهوم اصطلاحی

### ۱.۲.۲ مهریه در اصطلاح فقها

فقها هم درباره مهریه تعاریفی ارائه داده‌اند. برای نمونه، شیخ مفید در تعریف مهریه می‌نویسد: «مهریه عبارت است از آنچه زوج پرداختنش را به زوجه هنگام عقد نکاح با وی، عهده‌دار می‌شود» (مفید، بی تا: ۳). همچنین، علامه حلی در تعریف مهریه می‌نویسد:

مهر یا صدق مالی است که شوهر در مقابل حق تمتع باید بدهد و در شرع اسلام نکاح بی مهریه نیست مگر آن‌که زن به شوهر ببخشد حتی اگر مهریه تعیین نکنند (علامه حلی، بی تا: ۷ / ۵۴۲).

شیخ در تعریف خود مهریه را در هنگام عقد بر ذمه زوج دانسته است و مشخص نکرده است زوج در مقابل چه چیزی باید مهریه بدهد؟ علامه به طور کامل تر بیان داشته است: زوج در مقابل حق تمتع از همسر باید مهریه پرداخت کند. البته این تعریف هم خالی از اشکال نیست. همان طور که در قانون مدنی (ماده ۱۰۸۵) آمده است: زن مادامی که مهر به او تسلیم نشده است می‌تواند از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند. البته اصل دادن مهریه از جانب زوج به زوجه همان است که در تعریف علامه آمده.

## ۲.۲.۲. مهریه از نظر حقوق‌دانان

حقوق‌دانان در تعریف مهریه بیشتر بر جنبه مالکیت زن بر موضوع مهر توجه داشته و گفته‌اند: «مهر مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌شود و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود» (صفایی و امامی، ۱۳۷۹: ۱۴۸)؛ یا این‌که:

مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود. الزام مربوط به تملیک ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۳۱).

به این ترتیب، یکی از استادان معاصر می‌نویسد: «مال معینی است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۰۲). با توجه به تعاریف یادشده می‌توان گفت:

- مهریه مال است یعنی باید مالیت داشته باشد؛
  - به محض وقوع عقد نکاح بر ذمه زوج قرار می‌گیرد و مرد ملزم به پرداخت آن است؛
  - زن به محض وقوع عقد مالک آن می‌شود.
- اشکالی که به این تعاریف وارد می‌شود، این است که فقط بر جنبه مالکیت زن بر مهریه توجه شده و به الزام مرد به پرداخت آن کمتر توجه شده است، زیرا در عمل کمتر شاهدیم که زوج مهریه بپردازد. از جمله نکته‌های مغفول در این تعاریف این است که، با وجود آن‌که در قرآن مهریه به بهترین شکل تعبیر شده است، حقوق‌دانان در تعاریفشان صرفاً بر مالیت آن متمرکز شده‌اند و به هدف مدنظر خداوند در قرآن کریم کمتر توجه کرده‌اند. البته هدف آن نیست که تمرکز بر مالیت مهریه اشکال دارد، زیرا بر اساس قانون چیزی که مهریه قرار می‌گیرد باید مالیت داشته باشد.

## ۳. مهریه سنگین در آیات و روایات

آیات قرآن کریم و روایات ائمه (ع) هر کدام برای مهریه جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند. در قرآن آمده است: «صداق‌های زنان را به منزله بخشش پرداخت نمایند» (نساء: ۴). یا آیه ۲۰ سوره نساء برای مهریه سقفی تعیین نکرده است. این عبارات بیان می‌کند که توافق مهریه بر عهده زوجین نهاده شده است. در روایات هم عموم مؤمنان را از تعیین مهریه‌های سنگین بر حذر می‌دارند. البته روایاتی هم بیان می‌کند که در صدر اسلام در بعضی موارد مهریه بیش از مهرالسنه تعیین شده است که در این قسمت بررسی می‌شوند.

### ۱.۳ مهریه سنگین در آیات

به‌رغم آن‌که آیه ۴ سوره نساء مبنای ترجیح نظریات مفسران اسلامی برای بیان ماهیت و فلسفه مهریه قرار گرفته است، آیه مذکور در مورد میزان مهریه ساکت است. بنابراین، یگانه آیه ای که به میزان مهریه اشاره دارد و مبنای نظریات فقها برای بیان حدود مهریه قرار گرفته، آیه ۲۰ سوره نساء است که می‌فرماید:

و إن أردتم استبدال زوج مكان زوج و آتیتم إحداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً تأخذونه بهتناً و إثمًا مبیناً؛ و اگر خواستید زنی را به جای زنی دیگر بگیرید و او را قنطاری مال داده‌اید، نباید چیزی از او باز ستانید. آیا به زنان تهمت می‌زنید تا مهرشان را باز پس گیرید؟ این گناهی آشکار است (نساء: ۲۰).

در این آیه به کلمه «قنطار» اشاره شده است؛ کلمه‌ای که یکی از مباحث کلیدی در خصوص میزان مهریه است. در تعریف قنطار در قاموس قرآن آمده است: «قنطار مال کثیر و عظیم است، اصل آن به معنی محکم کردن است. به قولی اصل آن از قنطره به معنی پل است» (قریشی، ۱۳۷۲: ۲۰). مرحوم طبرسی در تبیین قنطار می‌نویسد: «پوست گاوی است که پر از طلا کرده باشند» (۱۳۴۹: ۵ / ۸۱). در تفسیر نمونه نیز آمده است:

پیش از اسلام رسم بر این بود که اگر می‌خواستند همسر سابق را طلاق دهند و ازدواج جدید کنند برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کردند و بر او سخت می‌گرفتند، تا حاضر شود مهریه خویش را که معمولاً قبلاً دریافت می‌شد، بپردازد و طلاق گیرد، و همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دادند. آیه فوق به شدت از این کار زشت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد. این آیه نیز برای حمایت از حقوق زنان نازل گردیده و به عموم مسلمانان دستور می‌دهد که هنگام تصمیم بر جدایی از همسر و انتخاب همسر جدید حق ندارند چیزی از مهر همسر اول خود را کم بگذارند و یا اگر پرداخته‌اند پس بگیرند، هر قدر هم مهر زیاد باشد که از آن تعبیر به قنطار شده است. قنطار به معنی مال و ثروت زیاد است. راغب در مفردات می‌گوید اصل «قنطار» از «قنطره» به معنی پل است و چون اموال زیاد همچون پلی هستند که انسان در زندگی می‌تواند از آن استفاده کند از این جهت به آن قنطار گفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۱-۳۲۲).

مفسر المیزان در این باره می‌نویسد:

در الدر المنثور است که زبیر بن بکار در کتاب موفقیات از عبدالله بن مصعب روایت کرده که گفت: عمر بن خطاب دستور داد زنان را بیش از چهل اوقیه مهر نکنند، که هر کس از

این پس بیش از این مهر معین کند زائد بر چهل را به بیت‌المال می‌اندازم، زنی که در مجلس بود گفت: تو ای عمر چنین حقی نداری، عمر پرسید: چرا؟ گفت برای این که خدای تعالی می‌فرماید: و اگر به زنی یک قنطار پوستی از گاو پر از طلا مهریه دادید حق ندارید چیزی از آن پس بگیرید، عمر گفت: زنی در تشخیص حکم خدا به واقع رسید و مردی به خطا رفت (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴/۱۳۳).

در تفسیر *راهنما آمده است*: «چون قنطار به معنی مال کثیر است و این مقدار مهریه مورد تأیید قرآن قرار گرفته است و اگر مورد تأیید نبود، پس‌گیری آن حرمتی نداشت» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۳: ۳/۳۲۵). درباره کلمه قنطار آمده است: «قنطار وزنی معادل ۱۰۰ رطل (Ratl)، مصر =  $۴۴/۹۳$  کیلوگرم، تونس =  $۵۳/۹$  کیلوگرم، سوریه =  $۲۵۶/۴$  کیلوگرم» (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۵۶۲).

مؤلف فرهنگ المنجد در تعریف قنطار می‌نویسد:

قناطیر وزنی است که در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است (بعضی چهار هزار دینار (زر) یا یک صد من و یک صد رطل و صد مثقال و صد درهم گفته‌اند، برخی هزار و دویست اوقیه یا صد و بیست رطل، برخی چهل اوقیه از زر یا هزار و دویست دینار (زر) یا هشتاد هزار درهم یا صد رطل زر و سیم). صد رطل مال بسیار زیاد گویند: قناطیر مقطره، اموال کامل یا خیلی زیاد (معلوف، بی تا: ۱۵۱۹).

در *لسان‌العرب* هم درباره قنطار آمده است:

وزن چهل اوقیه از طلا، گفته می‌شود: هزار و صد دینار، و گفته شد: ۱۱۰ رطل، از ابی عبید نقل شده: ۱۲۰۰ اوقیه، و گفته شد: هفت هزار دینار، بیشتر از ۱۰۰۰ مثقال طلا یا نقره، و ابن عباس گفت: هشت هزار درهم و گفته شد: جمع زیادی از مال نامعلوم، السدی گفته: ۱۰۰ رطل از طلا یا نقره، به زبان سریانی پوست گاو پر از طلا یا نقره، از گفته‌های آنان: قناطیر مقطره (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۱/۳۱۰).

از ظاهر آیه به نظر می‌رسد که قرآن مجوز مهریه را هر مقدار که افراد توافق کنند چه کم چه زیاد داده است، اما بررسی‌های عمیق‌تر نشان می‌دهد که در آیه ۲۰ نساء بر حقوق زن تأکید شده است و مرد حق ندارد به بهانه‌ای واهی، ولو با تهمت‌زدن به زن، مالی را که قبلاً برای مهریه به زن داده است (هر مقدار که باشد، حتی زیاد) از وی پس گیرد و به همسر دوم دهد. این آیه حکمی از احکام الهی در احقاق حقوق زن در جامعه دینی است که باعث مباحثات زنان مسلمان بوده است. این حکم بیان می‌کند که مرد موظف است حقوق همسر اول خود را به طور شایسته پرداخت کند. در واقع نشان می‌دهد که قرآن به هیچ‌کس اجازه

نمی‌دهد که از هر طریقی حقوق دیگران را زیر پا بگذارد، اما این آیه مسلمانان را به قراردادن مهریه زیاد تشویق نمی‌کند و نمی‌تواند دلیلی بر مطلوبیت مهریه سنگین باشد. چون با آیاتی که راجع به زهد و ساده‌زیستی در قرآن آمده است سازگار نیست.

### ۲.۳ مهریه سنگین در روایات

بررسی روایات بیانگر وجود سه دسته روایت در خصوص مهریه است که به اختصار بررسی می‌شوند.

#### ۱.۲.۳ آزادی طرفین در توافق بر مهریه

بر اساس دسته ای از روایات، مهریه آن چیز و مقداری است که طرفین عقد نکاح بر آن تراضی می‌کنند، اعم از این که میزان آن کم یا زیاد باشد.

از امام صادق (ع) در مورد میزان مهریه سؤال شد که ایشان در جواب فرمودند: «مهر آن چیزی است که متعاقبین بر آن توافق کنند» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۲۳۹). امام باقر (ع) فرمودند: «مهر آن چیزی است که طرفین عقد نکاح بر آن تراضی نمایند، اعم از این که کم یا زیاد باشد» (طوسی، ۱۴۳۱: ۷ / ۳۱۹).

در منابع تاریخی آمده است: ام سلیم، که از زنان صدر اسلام بود و از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار، مهریه خود را مسلمان شدن جوانی که به خواستگاری اش آمده بود، قرار داد (انصاریان، ۱۳۷۵: ۱۵۰). نجاشی به جای پیغمبر (ص) مهریه‌ای به ام حبیبه پرداخت کرد که مبلغ ۴۰۰۰ درهم (معادل ۴۰۰ دینار) بود. در دیگر موارد، پیغمبر (ص) مهریه‌ای خیلی کمتر از این مبلغ پرداخت کرده است (شبلی، ۱۳۷۶: ۵۹). در مبسوط آمده است: حسن بن علی (ع) صد کنیز را مهریه همسرش قرار داد و هر کنیزی هم هزار درهم بود و عمر برای دختر امیرالمؤمنین (ع) چهل هزار درهم قرار داد و گروهی از صحابه و تابعین نیز به همین صورت، مهریه می‌دادند (جبعی العاملی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). اگرچه در این دسته از روایات توافق بر مهریه زیاد هم وجود دارد، این مسئله به ندرت در کتاب‌های تاریخی و منابع روایی دیده شده است. حتی برخی از افرادی که از خانواده اصیل و طبقات بالای جامعه بوده و امکان پرداخت مهریه بالا را داشته‌اند بر مهریه کم توافق کرده‌اند، اما ذکر این نکته درباره آنچه در خصوص امام حسن (ع) روایت شده، ضروری است که تعالیم اسلامی با برده‌داری مغایرت داشته است و بعید نیست این موارد از مجعولات دشمنان اسلام باشد. همچنین، این مسائل با ساده‌زیستی امام (ع) اصلاً سازگار نیست.



### ۲.۲.۳ استحباب توافق بر مهریه همانند مهرالسنة

این دسته از روایات ها بر این دلالت دارند که مستحب است مهریه زن همانند مهرالسنة باشد. امام صادق (ع) فرمودند: «هیچ کدام از زنان پیامبر، مهریه‌شان از ۵۰۰ درهم تجاوز نکرد» (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵/۶۴). از عبیده بن زراره روایت شده است که گفت: امام صادق (ع) را شنیدم که می‌گفت مهریه پیامبر اکرم (ص) ۱۲ اوقیه و یک نشاء بوده و یک اوقیه معادل چهل درهم است و نشاء معادل نصف اوقیه است یعنی ۲۰ درهم (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۱/۲۴۶). در فقه الرضا در حدیثی آمده است که امام رضا (ع) فرمود: هنگامی زنی به ازدواج مردی درآمد که آن مرد تلاش کند مهر آن زن را مهرالسنة که آن ۵۰۰ درهم است، قرار دهد. بنا بر همین مطلب، رسول خدا (ص) ازدواج زنان را بر همین مهرالسنة قرار می‌دهد (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵/۶۲). ابو عبدالله صادق (ع) فرمود: کابین بانوان مسلمین در عهد رسول خدا - که صلوات خدا بر او باد - دوازده اوقیه و نیم طلا بود و بهای آن با نقره خالص پانصد درهم برابر می‌شد (طوسی، ۱۴۳۱: ۷/۳۵۶). بر این اساس، اگر نگویم مهریه سنگین مبعوض شارع نیست، حداقل در فرهنگ اسلامی کراهت خواهد داشت. نکته دیگر آن است که مهرالسنة الگویی برای میزان مهریه است. مؤمنان با تاسی از نبی مکرم اسلام (ص) مهریه زنان را همانند آن قرار می‌دهند.

### ۳.۲.۳ استحباب مهریه کم و کراهت مهریه زیاد

این دسته از روایات بر استحباب مهریه کم تأکید دارند و مهریه زیاد را مکروه می‌دانند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بهترین زنان امت من خوب‌ترین و کم‌مهریه‌ترین آنان هستند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲۲۵۷). این منبع حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که می‌فرماید: بهترین مهریه سبک‌ترین آن است (همان). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «شومی و ناخجستگی زن، زیادبودن مهریه او و نافرمانی از شوهرش می‌باشد» (همان).

امام باقر (ع) فرمود: زن بابرکت زنی است که مهریه او سبک باشد و مهریه سنگین علامت شومی آن زن است (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۵/۱۰). حضرت علی (ع) می‌فرمایند: در مهریه زنان مبالغه‌آمیز عمل نکنید که پشت سرش دشمنی به بار می‌آورد (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵/۶۶). امام صادق (ع) فرمود: حضرت زهرا (س) از حضرت رسول (ص) به علت کم‌بودن مهرش گلایه کرد و حضرت در پاسخ فرمود: نه من، بلکه این خداوند است که تو را در آسمان تزویج کرده و مهر تو را خمس دنیا، تا قیام قیامت قرار داده است (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۱/۲۴۱).

از امام صادق (ع) روایت شده است که در محضر پدرم سخن از بدشگونی شد و پدرم

فرمود: بدشگونی در سه مطلب است: ۱. در زن، ۲. در مرکب، ۳. در خانه، اما بدشگونی زن در دو مطلب است: زیادبودن مهریه او و نازابودن او (همان: ۲۵۰).

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: سوگند به خدایی که مرا به پیامبری و رسالت برگزید، هیچ زنی که مهریه خود را بر همسرش سنگین می‌گیرد نیست، مگر این‌که خداوند متعال زنجیره‌های سنگینی از آتش جهنم بر گردنش می‌افکند (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵/۶۸). همچنین، روایت کرده‌اند که جوان فقیری نزد پیامبر (ص) آمد و به حضرت گفت که ازدواج کرده است با ۱۶۰ درهم مهریه، آن حضرت آن مهریه را زیاد دانست و فرمود: مثل این‌که شما نقره را از دامنه کوه به دست می‌آورید (شبلی، ۱۳۷۶: ۵۹). این دسته از روایات زنان با برکت را زنانی می‌دانند که مهریه‌شان کم باشد و وعده آتش جهنم را به زنانی نوید می‌دهد که مهریه‌شان سنگین باشد. در جامعه امروز ایران، این روایات می‌تواند هشدار می‌باشد برای کسانی که مهریه زیاد را موجب فخرفروشی می‌دانند. اگر مهریه بالا مدنظر شرع بود، دختر رسول خدا (ص) به آن سزاوارتر بود.

نکته حائز اهمیت این است که حداقل مهر نباید مقداری باشد که عرفاً مالیت نداشته باشد. هرچند با توجه به کلمه قنطار در آیه ۲۰ سوره نساء نمی‌توان مقدار مهریه را محدود به میزان مشخصی کرد، بنا بر آنچه از این روایات برمی‌آید، معیار تعیین مقدار مهریه به خواست و تراضی طرفین عقد یا به عبارتی عرف جامعه است. با وجود آن‌که برخی روایات میزان مهریه را مهرالسنه تلقی کرده‌اند، آنچه مهم است غلبه صبغه اخلاقی مهریه بر جنبه حقوقی آن و برحذر داشتن عموم مؤمنان از قراردادن مهریه‌های سنگین است؛ دیدگاه دین مقدس اسلام هم بر تعادل در میزان مهریه استوار است.

#### ۴. مهریه سنگین در آرای فقها

فقهای امامیه درباره میزان مهریه نظرهای متفاوتی دارند. برخی مهرالسنه را میزان مهریه دانسته و بیش از آن را مجاز نمی‌شمارند. برخی دیگر با استناد به آیه شریفه قرآن (نساء: ۲۰) بیش از مهرالسنه را صحیح می‌دانند. در این گفتار آرای فقهای موافق و مخالف مهریه سنگین بررسی می‌شود.

#### ۱.۴ مخالفان مهریه سنگین

برخی از فقها با مهریه بیش از مهرالسنه مخالف‌اند. اختلاف در این باره نیز به‌صراحت از

زبان سید مرتضی نقل شده است. وی می‌نویسد: از مواردی که فقهای امامیه منفرد به آن بودند (منحصر به فقهای امامیه است) این است که مهریه نباید از پانصد درهم که ارزش پنجاه دینار است، افزون شود. پس هرچه بیش از این مبلغ باشد، باید به سنت همین مبلغ برشود. این ظاهر سخن ابن جنید و صدوق در کتاب *الفقیه* و همچنین در کتاب *الهدایه* است و این مطلب با استدلال به آیات و روایات پذیرفتنی نیست. خداوند متعال فرموده است: «و آیتیم إحداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً» (بحرانی، ۱۴۰۸: ۲۴/۴۲۹)، اما باید گفت که فقط سید مرتضی و شیخ صدوق قائل به این نظرند و ابن جنید چنین نظری ندارد (← اسدی امیرآبادی، ۱۳۸۸: ۴۹). شهید ثانی در این باره می‌نویسد:

قراردادن مهریه به مقدار بیش از مهرالسنه مکروه است. مراد از مهرالسنه مقدار مهریه‌ای است که پیامبر اکرم (ص) برای تمام همسرانش قرار می‌داد (که پانصد درهم، معادل پنجاه دینار است). سید مرتضی بیش از این مقدار را ممنوع دانسته و حکم کرده است که بیش از این مقدار باشد به مهرالسنه بازگردانده می‌شود، در این فتوا استدلال به اجماع نموده و البته روایت ضعیفی هم در این مورد وجود دارد که نمی‌توان به آن استناد نمود. اجماع نیز پذیرفته نیست. معانی ذکر شده برای لفظ قنطار نیز سخن سید مرتضی را رد می‌کند... البته اکتفا بر مقدار مهرالسنه مستحب می‌باشد (جبعی العاملی، ۱۳۸۱: ۴۳۹).

در *مختلف‌الشیعه* آمده است: «استدلال سید مرتضی ضعیف است به علت ممنوعیت عدم اجماع علما بر آن، همچنین ضعف روایت آن، زیرا در طریق این روایت، شخصی به نام محمد بن سنان است». نویسنده در ادامه می‌آورد که احتمال می‌رود مراد از این سخن سید، استحباب باشد نه وجوب و این که با افزون‌بودن مبلغ مهریه بر سنت مستحب است که با ابراء (رضایت دو طرفین و حلالیت طلبیدن از یکدیگر) به مهرالسنه بازگشت شود و پس از بازگشت دو طرف با ابراء به سنت، دیگر دینی بر ذمهٔ مرد باقی نمی‌ماند (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۷). دربارهٔ روایت محمد بن سنان آمده است:

محمد بن سنان در کتب رجالی جرح شده و مورد طعن است و نیز مفضل بن عمر را از بزرگان باطنیه شمرده‌اند و علاوه بر این که خبر، خبر واحد است و سندی قابل اعتماد ندارد، همچنین با ظاهر آیهٔ شریفهٔ 'و آیتیم إحداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئاً' و کریمهٔ 'وأتوا النساء صدقاتهن نحلة' سازگار نیست و نیز با اخبار معتبره و صحیحه معارض است مانند خبر زراره از امام باقر (ع) که فرموده صدق و مهریه همان مقدار است که طرفین عقد بدان راضی شوند چه کم باشد و چه زیاد (صدوق، ۱۳۶۸: ۳/۳۲).

در مجموع، از آرای فقهای مخالف با مهریه سنگین استنباط می‌شود که تنها سید مرتضی و شیخ صدوق قائل به این نظرند (مهریه زن نباید بیشتر از مهرالسنه باشد) و سایر فقها چنین نظری ندارند. این دسته از فقها اعتقاد دارند که مهریه نباید از مهرالسنه تجاوز کند و بیش از آن مکروه است. ادله این فقها اجماع و روایتی است که در این مورد وجود دارد و نمی‌توان با عنایت به معنایی که برای لفظ قنطار در آیه ۲۰ سوره نساء آمده است، به این ادله استناد کرد.

## ۲.۴ موافقان مهریه سنگین

### ۱.۲.۴ فقهای متقدم

فقهای متقدم در خصوص مهریه سنگین نظرهایی ارائه کرده‌اند. برای نمونه، علامه حلی در این زمینه می‌نویسد:

برای مهریه در شرع حدی معین نیست. در کمی هرچه باشد و در بسیاری بدان راضی شوند و در قرآن کریم که فرمود: اگر قنطاری باشد از آن دریغ ندرید و قنطار کنایه از مال بسیار است نه مقداری معین که از آن تجاوز نباید کرد و اولی آن است که مهرالسنه قرار دهند و آن ۲۶۲ مثقال نقره خالص است و آن را مهرالسنه گفتند چون پیغمبر (ص) بدین مقدار ترغیب فرمود (علامه حلی، بی‌تا: ۵۴۳/۷).

همچنین، شهید ثانی در این باره می‌نویسد:

مهریه فاقد حداقل است مشروط بر این که قابل قیمت‌گذاری باشد. مانند دانه گندم و نیز بر اساس دیدگاه مشهور فقها از نظر حداکثری هم اندازه‌ای ندارد، زیرا خداوند می‌فرماید: و به یکی از آن زنان، مقدار زیادی مهریه دادید و قنطار به معنای مال زیاد است. در کتاب قاموس اللغة آمده است که قنطار به اندازه چهل اوقیه از طلا یا نقره یا هزار دینار یا هزار و دویست اوقیه از طلا یا نقره یا هفتاد هزار دینار یا هشتاد هزار درهم یا صد رطل یا نقره یا پوست گاو پر از طلا یا نقره است و در روایتی از امام رضا (ع) آمده: اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه او را بیست هزار دهد، برای پدر زوجه هم ده هزار قرار دهد، مهریه جایز است، اما آنچه برای پدرش قرار داده است فاسد می‌باشد (جبعی‌العاملی، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

در شرایع الاسلام آمده است:

اندازه‌ای در مهر نمی‌باشد، بلکه هر قدری که راضی شوند به آن زن و شوهر، هر چند کم

باشد، مادام که از قیمت بیرون نرود، یعنی در کمی، مثل یک حبه گندم (محقق حلی، ۱۳۶۸: ۲/۵۸۵).

در *جواهر الکلام* صحیح فضیل همچنین از امام صادق (ع) نقل می‌کند: مهر چیزی است که کم یا زیاد مردم به آن راضی شوند، پس آن مهریه است. در صحیح دیگر از امام حسین (ع) راجع به مهریه سؤال کردند، پس فرمود: آن چیزی است که مردم به آن راضی می‌شوند، ۱۲ اوقیه یا نصف اوقیه یا ۵۰ درهم است (نجفی، بی تا: ۳/۳۱).

نکته تأمل‌پذیر در این قسمت این است که فقهای امامیه و منصفان از علمای عامه، مطابق مضمون این آیه حدی برای مهریه مشخص نکرده و مانع وضع مهریه فراوان نشده‌اند، ولی برخی از مفسران عامه (نظیر فخر رازی و دیگران) دلالت آیه مورد بحث را بر مدعا نپذیرفته‌اند که آیه شریفه جواز مهریه زیاد را نمی‌رساند، زیرا جمله «و آیتیم إحداهن قنطاراً» بر جواز دادن قنطار دلالت نمی‌کند، همان‌گونه که آیه «لو کان فیهما آلهة إلا الله لفسدتا» حصول آلهه را نمی‌فهماند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۱۸۴). لازم است عنایت شود که اصل جواز مهریه کلان به معنای ترغیب به آن نیست، بلکه تشویق روایات رویکرد تقلیل مهریه دارد، چنان‌که گرایش به مهریه وافر فسادهای اجتماعی را به همراه دارد (همان: ۲۰۳).

فقهای متقدم بر اساس آیه مشهور (نساء: ۲۰) برای مهریه اقل و اکثری قائل نشده‌اند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان با توجه به کلمه قنطار برای مهریه مقداری تعیین کرد؟ آیا کلمه قنطار مجوز مهریه سنگین است؟ به نظر می‌رسد برخی از این فقها، با در نظر گرفتن اصل استحباب، مؤمنان را به قراردادن مهرالسنة تشویق کرده‌اند. فقها حکم یا راهکاری در خصوص میزان مهریه ارائه نداده‌اند، و توافق طرفین را در باب میزان مهریه ملاک دانسته‌اند و درباره کیفیت دادن و الزام زوج عملاً سخنی به میان نیاورده‌اند.

#### ۲.۲.۴ فقهای معاصر

فقهای معاصر، همانند فقهای متقدم، نظرهای متفاوتی در خصوص مهریه سنگین دارند. در این قسمت فقط به نظر برخی از آنان اشاره می‌کنیم. بنیانگذار جمهوری اسلامی در خصوص مهریه فرمودند: مهریه از نظر مقدار حد و اندازه‌ای ندارد، بلکه معیار در آن تراضی زن و شوهر است، چه کم باشد، چه زیاد؛ به شرطی که آن قدر کم نباشد که مانند پر کاه

مالیت نداشته باشد، بلکه در طرف زیادت مستحب است که زیادت از مهرالسنه یعنی پانصد درهم نباشد (موسوی الخمینی، ۱۳۸۳: ۹۲/۴).

مرحوم آیت‌الله خویی و همچنین آیت‌الله سیستانی می‌نویسند: مقداری برای مهر از جهت قلت وجود ندارد، پس صحیح است هر آنچه زوجین بر آن توافق کنند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۸/۲۸۰؛ سیستانی، ۱۴۱۷: ۳/۹۰). آیت‌الله صانعی در این باره می‌نویسد: معیار در مهر رضایت طرفین است و باید به مشکلاتی که ممکن است از راه کمی مهر بعداً به وجود بیاید، توجه داشت که مبادا خدای نخواست، بعد دختر پشیمان شود که چرا مهریه را کم قرار دادم. به هر حال، شرایط زمان و مکان و جامعه و فرد، همه و همه باید مورد توجه قرار گیرند و کمی مهر، به نظر این جانب استحبابش ثابت نیست و عمده، همان رضایت دختر و پسر و توجه به شرایط است. ایشان در پاسخ به این سؤال که قرارداد مهریه‌های سنگینی که مانع ازدواج جوانان است از نظر شرعی و فقهی چه صورتی دارند؟ فرمودند: ... مهریه که به صورت ذمه است نه نقد، چگونه می‌تواند مانع باشد، ولی به هر حال مهر در اختیار زوج و زوجه است و آن‌ها باید تصمیم بگیرند (استفتائات قضایی، ۱۳۸۴: ۴۳۷).

آیت‌الله سبحانی درباره مقدار مهریه می‌فرماید: اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریه‌ها سبک باشد و اصولاً ازدواج اگر با هزینه کم انجام گیرد، مایه سعادت زوجین خواهد شد و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم است و عواقب ناگوار و مسئولیت شدید دارد. در ادامه می‌نویسند: مهر حد ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریه‌های سنگین پرهیز شود (فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «مهر حد ثابتی ندارد ولی شایسته است از مهریه‌های سنگین پرهیز شود، طبق برخی روایات زنانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند» (علیان‌نژاد، ۱۳۸۸: ۸۳).

بر اساس آنچه بیان شد، فقهای متقدم با توجه به آیه ۲۰ سوره نساء برای مهریه میزانی تعیین نکرده‌اند. در اقل آن هم مقداری باشد که از مالیت نیفتد و برای اکثر آن مقداری را مشخص نکرده‌اند. همان‌گونه که در این گفتار اشاره شد، فقهای معاصر هم مانند فقهای متقدم مقداری برای میزان مهریه تعیین نکرده، مقدار و میزان آن را بر عهده زوجین گذاشته و تراضی طرفین را ملاک قرار داده‌اند. فقهای معاصر هم با توجه به اصل استحباب، عموم مؤمنان را به گرفتن مهریه‌های سبک تشویق کرده و از تعیین مهریه‌های سنگین بر حذر داشته و میزان آن را به اراده افراد قرار داده‌اند. البته یک سؤال باقی است: بر اساس چه ملاک‌هایی مقدار مهریه را تعیین می‌کنند؟

## ۵. مهریه سنگین در عملکرد مقنن و رویه قضایی

در این گفتار عملکرد مقنن و رویه قضایی حاکم در قوه قضائیه درباره مهریه سنگین بررسی می‌شود. آیا قوه مقننه توانسته است در خصوص مهریه سنگین گامی بردارد؟ آیا رویه قضایی حاکم توانسته است درباره مهریه سنگین اقداماتی انجام دهد؟

### ۱.۵ مهریه سنگین در عملکرد مقنن

مهریه به علت ثبت آن در عقدنامه ضمانت اجرایی دارد و هر مبلغی که ثبت می‌شود به منزله مهریه به حساب می‌آید، اما موضوعی که مطرح است بالابودن مبلغ مهریه است. مهریه فقط در طلاق مطرح نمی‌شود و طی زندگی مشترک هم قابل مطالبه است، حتی بعد از فوت مرد هم به قوت خود باقی است. قانون‌گذار در سال ۱۳۷۶ تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی اضافه کرده که به این شرح است:

تبصره: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، محاسبه و پرداخت می‌شود. مگر این‌که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگر تراضی کرده باشند. آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید (عرفانی، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

شمول تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۷۶/۴/۲۹ ازدواج‌های قبل از این قانون را دربر می‌گیرد (همان: ۲۱۲).

رأی وحدت شماره ۶۴۷ - ۷۸/۱۰/۲۸ رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور - شماره ردیف ۷۸ / ۲۶:

منظور مقنن از تصویب ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن، حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولاً بر حسب وجه رایج (ریالی) تعیین می‌شود، اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج، مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره باشد. با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی) با ماده ۴ قانون مدنی مابینتی ندارد، لذا به جهات اشعاری، رأی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم که با این نظر مطابقت دارد، به اکثریت آرا صحیح و موافق

موازن شرع و قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد (همان).

این تبصره موجب شده است مهریه زنان (در زمان وقوع عقد هر مقداری که بوده است) در زمانی که آن را مطالبه می‌کنند، بر حسب روز محاسبه شود و زوج ملزم به پرداخت آن باشد. این تبصره گامی مؤثر در احقاق حقوق زن بوده است، اما قانون‌گذار برای محدودکردن میزان مهریه مواردی را در ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۸۹) مطرح کرده است. در این ماده مقرر شده است که دولت از طریق دستگاه فرهنگی و رسانه‌ها موظف است برای ترویج فرهنگ ازدواج و رعایت برقراری مهریه متعارف اقدامات لازم را به عمل آورد، اما در عمل شاهدیم در برخی موارد رسانه‌ها، کمتر در این باره موفق بوده‌اند. به نظر می‌رسد لازم است رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی کشور در ترویج فرهنگ ازدواج آسان و مهریه‌های سبک حضور پررنگ‌تری داشته باشند. در این قسمت به بررسی اجمالی ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده اشاره می‌شود.

#### ۱.۱.۵ مشخص کردن مهریه متعارف از سوی رئیس قوه قضائیه

تبصره یک: رئیس قوه قضائیه در هر سه سال یکبار، با توجه به وضعیت اقتصادی، میزان مهریه متعارف را مشخص می‌کند، ولی این ابهام مطرح است که ملاک متعارف بودن مهریه زمان تعیین و ثبت آن در سند نکاحیه است یا زمانی که زوج آن را مطالبه می‌کند؟ این امر از این نظر اهمیت دارد که ممکن است مهریه در زمان تعیین و ثبت در سند نکاحیه نامتعارف باشد، اما با انقضای مدت ۱۰ یا ۱۵ سال، به تدریج همان مهریه نامتعارف به مهریه متعارف تبدیل شود. در این صورت اگر ملاک نامتعارف بودن مهریه زمان تعیین و ثبت و درج آن در سند ازدواج باشد، زنی که پس از ۱۵ سال از زمان ازدواج مهریه‌اش را مطالبه می‌کند و عملاً مهریه متعارف را (در زمان مطالبه آن) درخواست می‌کند، امکان اعمال مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و بازداشت شوهر خویش را در صورت استنکاف از پرداخت مهریه ندارد، ولی زن دیگری که مثلاً یک سال قبل ازدواج کرده و مهریه‌اش معادل مهریه زنی است که ۱۵ سال قبل ازدواج کرده، ولی حسب اعلام دولت مهریه‌اش در زمان ثبت متعارف بوده است، امکان اعمال مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و بازداشت همسرش را خواهد داشت. این امر در عمل به تعارض و بی‌حمایتی یکسان قانون از همه زنان متأهل منجر می‌شود.



### ۲.۱.۵ پیش‌بینی ضمانت اجرایی لازم فقط در مهریه‌های متعارف

تبصره دو: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد به میزان متعارف باشد، در صورت حال شدن، چنانچه زوج از پرداخت آن امتناع کند، مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی خواهد شد. ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی پیش‌بینی کرده است که مستنکف از پرداخت بدهی قابل بازداشت است. با توجه به این که مهریه بدهی مرد به زن محسوب می‌شود این امکان برای زنان ایجاد شده که با طرح دعوی مطالبه مهریه و صدور حکم از دادگاه بازداشت مرد را درخواست کنند، اما نکته این است که در این تبصره این حق را از زن گرفته و آن را منوط به مهریه متعارف در وقوع عقد دانسته‌اند و بر اساس این ماده مقدار مهریه را رئیس دستگاه قضا اعلام می‌کند. قانون‌گذار در تعیین مهرالمثل مقرر داشته که باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت و ... در نظر گرفته شود. آیا باید میزان مهریه زنی که دارای موقعیت بالای اجتماعی، اقتصادی، و غیره است با زنی که موقعیت پایین تری دارد، برابر باشد؟ این تبصره با آنچه درباره تعیین مهرالمثل گفته شده، در تعارض است.

### ۳.۱.۵ لازم‌الرعا به بودن محاسبه مهریه بر اساس نرخ روز

در تبصره چهار این ماده آمده است: مقررات مربوط به محاسبه مهریه و نرخ روز لازم‌الرعا به است، ولی این تبصره با تبصره‌های دو و سه این ماده کاملاً در تعارض است. اگر تعیین مهریه به نرخ روز است، دیگر مازاد مهریه متعارف مفهومی ندارد. اگر محاسبه مهریه به نرخ روز باشد و مهریه از حد متعارف بیشتر باشد، آیا می‌توان گفت مشمول ماده ۲۵ می‌شود یا خیر؟ این ماده نه تنها نتوانسته است در محدود کردن مهریه سنگین گام مؤثری بردارد، بلکه بر ابهامات این مسئله افزوده و با برخی از ماده‌های قانون مدنی در تعارض است.

ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده درباره تضمینی برای وصول مهریه زن سخنی به میان نیاورده است. این ماده صرفاً در خصوص میزان مهریه متعارف توضیح داده است و این که مقدار در صورتی که زوج مهریه متعارف را پرداخت نکند، مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه محکومیت‌های مالی خواهد شد؛ مسئله‌ای که به زن در وصول مهریه کمکی نمی‌کند. با توجه به این که در این ماده مهریه متعارف را قانون‌گذار مشخص می‌کند، سؤال این است که اگر مرد نتواند همین مقدار مهریه متعارف را پرداخت کند، یا از پرداخت آن امتناع کند، چاره‌ای اندیشیده شده است؟ باز هم زن مثل گذشته باید به مراجع قضایی مراجعه کند،

روند طولانی دادرسی را طی کند، و این مسئله باری از دستگاه قضا نمی‌کاهد. بنابراین، به نظر می‌رسد قانون‌گذار می‌تواند با اخذ تضمین مناسب در هنگام وقوع عقد از زوج یا خانواده وی تا حدی از مشکلات بکاهد. اخیراً هم در قانون حمایت خانواده در ماده ۲۲ در خصوص میزان مهریه مقرر شده است: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یک‌صد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.

### ۲.۵ مهریه سنگین در عملکرد رویه قضایی

نحوه مطالبه مهریه در صورت نبود تمکن مالی مرد، با توجه به راهکارهای قانونی برای مطالبه مهریه از جانب زن، در قانون پیش‌بینی و هنگام مطالبه استناد شود. در صورتی که مرد مالی برای توقیف و پرداخت مهریه نداشته و مستمری‌گیر نیز نباشد، زن می‌تواند به استناد ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ تقاضای بازداشت یوم‌الادای وی را کند. مطابق دادنامه شماره ۱۹۸۷ در ارتباط با کلاسه پرونده ۷/۸۲ت/۱۹۴۲ شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان تهران، در صورتی که زن مطالبه مهر کند و مرد ناتوان از پرداخت مهریه باشد، دادگاه نمی‌تواند حکم به تقسیط بدهد و مرد را ملزم به پرداخت ماهیانه مقدار معینی کند. صدور حکم به پرداخت مهریه به صورت اقساط قبل از اجرای مقررات مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی فاقد مجوز قانونی است (اسدی امیرآبادی، ۱۳۸۸: ۳۸). بنابراین، در صورتی که زن تقاضای مهریه کند و مرد مدعی اعسار از پرداخت شود، تا زمان اثبات اعسار در حبس قرار دارد.

در پاسخ به این سؤال که آیا زوجه می‌تواند، به علت ناتوانی زوج از پرداخت یک هزار عدد سکه طلا، ابطال شرط پرداخت مهریه را به لحاظ این‌که غیر مقدور است، بنا بر بند یک ماده ۲۳۲ قانون مدنی درخواست کند؟ آمده است:

عدم توانایی پرداخت مهریه‌ای که موضوع آن سکه طلا است، موجب ابطال شرط پرداخت مهریه نیست و بند یک ماده ۲۳۲ قانون مدنی شامل قضیه نمی‌باشد (عرفانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

بدین ترتیب، معلوم می‌شود که رویه قضایی ایران، در صورت پرداخت نکردن مهریه به صورت یک‌جا از جانب مرد، حکم تقسیط مهریه را می‌دهد که به صورت ماهیانه به زن

پرداخت می‌شود. در برخی موارد مرد برای زیر بار نرفتن پرداخت مهریه با به نام زدن اموال خود به نام دیگران (خودش جرم است)، تقاضای اعسار اعلام می‌کند که از پرداخت مهریه عاجز است. این رویه نتوانسته است در احقاق حقوق زن در مطالبه مهریه گام مؤثری بردارد که حکم به تقسیط می‌دهد. حال اگر مهریه مقدارش زیاد باشد، با تقسیط ماهیانه ممکن است سال‌ها به طول بینجامد و در عمل چیزی عاید زن نشود.

### ۶. نتیجه‌گیری

دین اسلام، به منزله کامل‌ترین دین، همه نیازهای بشر را برآورده می‌کند، اما آنچه اهمیت دارد این است که احکام اسلام مجموعه کاملی است که باید با یکدیگر به طور هماهنگ اجرا شوند. طبق آنچه در بخش‌های گذشته درباره مهریه‌های سنگین مطرح شد، مهریه - که در قرآن از آن با عنوان صدق یاد شده است - نشانه صداقت، مهر، و محبت شوهر به زن است. در آیه ۲۰ سوره نساء هم با توجه به کلمه قنطار، از آن به منزله مال عظیم یاد شده و مقداری برای مهریه مشخص نشده است. با تتبع در آرای برخی فقها هم به این نتیجه می‌رسیم که برای مهریه بیش از مهرالسنه محدودیتی قائل نشده‌اند، اما عموم مؤمنان را از مهریه‌های سنگین بر حذر می‌دارند. روایات ائمه (ع) هم مسلمان را به گرفتن مهریه‌های سبک تشویق می‌کند. حقوق ایران که برگرفته از فقه امامیه است، مهریه را بهای زن نمی‌داند. در قانون مدنی ایران تعیین مهریه به عهده زوجین است؛ هر مقداری که می‌خواهند می‌توانند مهریه تعیین کنند. قانون‌گذار در این باره نه محدودیتی اعمال کرده، نه برای مهریه سقفی گذاشته است. در مجموع می‌توان مطالب زیر را به منزله نتایج تحقیق ارائه کرد:

- بررسی و تتبع به عمل آمده بیانگر آن است که مهریه‌های سنگین در نظام حقوقی اسلام جایگاه معنوی ندارد. با استناد به آیات و روایات و قانون مدنی ایران، برای مهریه سقفی تعیین نشده و آن را بر عهده زوجین گذاشته‌اند، اما روایات ائمه معصومین (ع) و آرای فقها عموم مسلمین را به مهریه‌های سبک تشویق می‌کنند.

- مهریه سنگین در بدو ازدواج مشکلی برای زوجین ایجاد نمی‌کند، زمانی که اختلافی بین زوجین پیش آید یا زن تقاضای مهریه کند و زوج از عهده پرداخت آن برنیاید، این جاست که مشکلاتی بروز می‌کند که دامن‌گیر خانواده، جامعه، و دستگاه قضایی می‌شود.

## ۷. پیشنهادها

راهکارهای مورد نظر نگارندگان عبارت است از:

- اخذ تضمین مناسب از سوی زوج یا خانواده وی برای پرداخت مهریه (در این مورد باید به شکلی قانونی سندی رسمی تنظیم شود که زوج یا خانواده وی را به پرداخت مهریه به زوجه مکلف کند).

- ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی برای بانوان خانه‌دار و مطلقه، از طریق بیمه‌های تأمین اجتماعی، به منظور کاستن از اتکای آنان به مهریه سنگین.

- ارتقای سطح آگاهی و بینش جوانان و خانواده‌ها درباره مهریه، از سوی متولیان جامعه. به عبارت دیگر، رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و مبلغان دینی با ترویج مهرالسنه، به منزله سنت رسول خدا (ص)، می‌توانند گام مؤثری در این باره بردارند. در این باره متولیان امر می‌توانند با اعمال سیاست‌های تشویقی در جهت گرفتن مهریه سبک قدم بردارند.

## منابع

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی.
- ابن مطهر حلی، یوسف بن علی (بی تا). تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، ترجمه ابوالحسن شعرانی، ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ابن مطهر حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۷، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸-۱۹۸۸). لسان العرب، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسدی امیرآبادی، محمدمهدی (۱۳۸۸). «تحلیل فقهی - حقوقی امکان محدود ساختن میزان مهریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۵). نظام خانواده در اسلام، قم: ام ایپها.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۸ ق). الحلائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ج ۲۴، قم: مؤسسه نشر اسلام وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بی‌نا (۱۳۸۴). استفتائات قضایی (حقوق مدنی) مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر شیخ یوسف صانعی، تهران: میزان.
- جبعی العاملی، زین‌الدین (۱۳۸۱). ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران: مجد.

- جبجعی العاملی، زین‌الدین بن نورالدین (۱۳۸۷). *فقه استدلالی شرح کامل کتاب الروضه البیبه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ترجمه عباس زراعت، تهران: فکر.
- جر، خلیل (۱۳۶۵). *فرهنگ لاروس عربی - فارسی*، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغات اسلام.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم، تفسیر قرآن کریم*، ج ۱۸، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱۵ و ۲۱، قم: مؤسسه آل بیت علیهم‌السلام.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*، ج ۲، قم: مدینه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ ق). *منهاج الصالحین*، ج ۳، قم: نشر مکتب آیت‌الله العظمی السید السیستانی.
- شبلی، احمد (۱۳۷۶). *زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام*، ترجمه سید محمود اسداللهی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- صدوق، ابن بابویه (۱۳۶۸). *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه علی‌اکبر غفاری، ج ۳، تهران: نشر صدوق.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۹). *مختصر حقوق خانواده*، تهران: دادگستر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). *تفسیر المیزان*، ج ۴، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۴۹). *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه احمد بهشتی، ج ۵، بی‌جا.
- طوسی، ابی‌جعفر محمد (۱۴۳۱ ق). *تهذیب الاحکام*، ج ۷، بی‌جا: دار الاضواء.
- طهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی (۱۳۷۳). *فرهنگ کاتوزیان*، تهران: یلدا.
- عرفانی، توفیق (۱۳۸۷). *مهریه در رویه قضایی*، تهران: جاودانه جنگل.
- علیان‌نژاد، وحید (۱۳۸۸). *احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوی مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)*، قم: علی بن ابی طالب (ع).
- علیزاده، عزیزالله (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی جیبی محمد معین*، تهران: راه رشد.
- فاضلی بیارجمندی، سید احمد (۱۳۸۷). *احکام بانوان مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- قریشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۲). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *حقوق خانواده*، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۸). *حقوق خانواده*، تهران: خرسندی.
- محقق حلی (۱۳۶۸). *ترجمه فارسی شرایع الاسلام*، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*، ترجمه رضا شیخی، بی‌جا: دارالحدیث.

## ۶۰ جایگاه مهریه سنگین در آموزه‌های دینی، آرای فقها و حقوق موضوعه

معلوف، لويس (بی‌تا). فرهنگ المنجد: عربی به فارسی، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: ایران. مفید، محمد بن النعمان العکبری البغدادی (بی‌تا). رساله المهر، تحقیق: شیخ مهدی، نجف: نشر موتمر العالمی الالفیه الشیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه. موسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۳). تحریر الوسیله، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.

نجفی، محمدحسن بن باقر (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۷۳). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن، ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

## قوانین

- قانون اساسی.

- قانون مدنی.